

مهرگان و حدیث مهر

آیین قالی شویان مشهد اردهال

یادداشت سردبیر:

به مناسبت جشن مهرگان، امسال هم دهها مقاله و شعر رسیده بود. سال گذشته، در مهر ۱۳۸۳، مقاله‌ی جامع در این باب از دکتر ناصر تکمیل‌همایون چاپ کردیم؛ امسال مقاله‌ی حاضر را به دلیل تازگی آن از جهت انطباق جشن مهرگان با مراسم قالی‌شویان مشهد اردهال کاشان به خوانندگان از معان می‌کنیم، همراه تلخیص یکی دو مطلب دیگر و با اعتدال از کسانی که به‌علت کمبود جا نتوانستیم در مهرماه از آثارشان استفاده کنیم.

□ بر دلم گرد ستم‌هاست خدایا میسند

که مکدر شود آیین‌های مهر

حافظ

در گاه‌شماری ایران باستان، روز شانزدهم هر ماه «مهر روز» است. ایزد مهر را موکل بر این روز می‌دانستند. مطابق معمول و سنت آن دوران، چون نام روز و ماه موافق می‌شد آن را جشن می‌گرفتند و به همین جهت روز شانزدهم ماه مهر، جشن مهرگانی بود که یکی از بزرگ‌ترین جشن‌های ایران باستان محسوب می‌شد. مورخان از روزگاران بسیار دور از این جشن و آیین مربوط بدان، سخن رانده‌اند. در زمان هخامنشیان، مراسم باشکوهی به مناسبت این جشن، برپا می‌داشتند که بعضی مورخان یونانی هم، بدان اشاره کرده‌اند. به هر حال، آیین مهر و جشن مهرگان، تقریباً زیرساخت و بنیاد فرهنگ و تمدن ایران را در تمام دوره‌ها می‌سازد. با تحقیق ژرف، می‌توان به این نتیجه رسید که فرهنگ ایرانی، از گذشته‌های دور در تسلط آیین مهری بوده است. در فرهنگ ایران پس از اسلام هم، رگه‌هایی روشن از این نفوذ را می‌بینیم؛ از جمله در آیین‌های صوفیانه و عارفانه و آثار مربوط بدان. مثلاً می‌دانیم که عرفان و صوفیان، بسیار از شراب ستایش کرده‌اند و گاه خود را، باده‌پرست نامیده‌اند و این ویژگی یکی از لایه‌های آیین‌های مهری و یکی از زینه‌ها (لایه‌های) آن محسوب شده است. بنا به گفته‌ی محققان مستشرق، روزگاری نیز این آیین مقدس و ارزشمند، به آن سوی جهان، یعنی مغرب‌زمین نیز نفوذ کرده است که تأثیرات آن را در آیین مسیحیت، به عیان می‌بینیم و این نفوذ تا آنجا پیش می‌رود که آیین مسلط، در میان رومیان می‌شود و هنگامی که، آیین مسیحیت در آن سامان پا می‌گیرد، بزرگ‌ترین هم‌اوردش همین آیین مهری‌ست که در داستان اصحاب کهف هم، به خوبی این مبارزه جلوه کرده است. مهر در شمار ایزدان بزرگ، در فرهنگ و آیین «مزدیسنا»ست و در آغاز، آن‌چنان که از مهر یشت برمی‌آید، مهر، با خورشید یکی نبوده است، اما آنگاه اندک به هم می‌پیوندند. در باورهای مهری، انسان و روان پاک او، به تدریج از بهشت

آسمانی، به زمین فرود می‌آیند و در این جا، فریفته‌ی رنگ‌های این جهانی می‌گردند. پس باید دوباره خود را، از آرایش‌های درونی پاک کرده و از هفت مرحله‌ی خطرناک و صعب بگذرند تا سرانجام از پل «چینوت» گذشته و به سرزمین جان برسند؛ و این همان اعتقادی‌ست که صوفیان و عرفای ما دارند و هفت خان رستم، هفت شهر عشق و هفت آسمان و هفت «زین»^۱ مهریان از این دست است. هم‌چنین در سفرنامه‌ی عرفانی «ارداویراف»^۲ با عنوان «ارداویراف‌نامه»^۳ی زرتشتی می‌بینیم که او به‌صورت خیالی یا در خواب، مقابل خود هفت پله را می‌بیند که باید از آن‌ها بگذرد تا به جایگاه اصلی خویش برسد. موضوع تطبیقی دیگر، در آیین مهری و عرفان، فنای فی‌الله است که مهریان، اگر بخواهند دوباره به جایگاه والا یا «گروتمان»^۴ بازگردند، باید به مرگ نمادین تن دهند و این همان موضوعی‌ست که سنایی غزنوی می‌گوید:

بمیر ای دوست پیش از مرگ اگر می‌زندگی خواهی

که ادریس از چنین مُردن بهشتی گشت پیش از ما
و این که در روایات آورده‌اند: «موتوا قبل ان تموتوا»^۵، ناظر بدین معناست. پس زمانی که سالک مهری در تن می‌میرد، به جان، زندگی تازه‌یی را می‌آغازد و آخرین مرحله در آیین مهری «پیر» است که به تعبیری همان پدر می‌باشد و در آیین مسیحیت «پاپ» گفته می‌شود و ترسایان، در آیین مسیحیت به کشیشان خود، پدر می‌گویند به‌هر حال منظور این است که بسیاری از باورها و مراسم در فرهنگ ایران و جهان، پایه و مایه‌یی در آیین مهری دارد و از آن جمله اشارتی‌ست که در شعر شاعران بزرگ خود داریم که هم به جشن مهرگان و هم به ویژگی‌هایی از آیین مهری اشاره کرده‌اند، حافظ گوید:

چو پیش صبح روشن شد که حال مهر گردون چیست

برآمد خنده‌یی خوش بر غرور کامکاران زد

یا:

گر روی پاک و مجرد چو مسیحا به فلک

از فروغ تو به خورشید رسد صد پرتو^۶

و دیگر شاعران بزرگ هم به آیین و جشن مهرگان اشاره کرده‌اند که در بازگاہ پادشاهان پس از اسلام نیز برگزار شده است. رودکی گوید:

ملکا جشن مهرگان آمد جشن شاهان و خسروان آمد
تو جوان مرد و دولت تو جوان می سه بخت تو جوان
منوچهری نیز در چند جای دیوان، از جشن مهرگان یاد کرده است از جمله در یکی از مسمط‌های خود:

مهرگان آمد هان در بکشایدش
اندر آرید و تواضع بنماییدش
از غسبار راه ایدر بزداپیدش
بنشائید و به لب خرد نجاییدش
خوب دارید و فراوان بستاییدش
هر زمان خدمت سختی بفرماییدش

و عنصری گوید:

مهرگان آمد گرفته فالش از نیکی مثال
نیک روز و نیک جشن و نیک وقت و نیک فال
و سنایی غزنوی گوید:

گاه آن آمد که بادمهرگان لشکر کشد
دست او پیراهن اشجار از سر برکشد
باغ‌ها را داغ‌های عبریان بر پر زند
شاخ‌ها را چادر نسطوریان بر سر کشد
و مسعود سعد سلمان گوید:

روز مهر و ماه مهر و جشن فرخ مهرگان
مه بیافزا ای نگار ماه چهر مهربان
مهربانی کن به جشن مهرگان و روز مهر
مهربانی کن به روز مهر و جشن مهرگان

و در کتاب برهان قاطع، درباره‌ی مهرگان آمده است: «هم‌چنان که، نوروز را عامه و خاصه می‌باشد، مهرگان را نیز عامه و خاصه هست و تا شش روز، تعظیم این جشن کنند. ابتدا، از روز شانزدهم و آن را مهرگان عامه خوانند و انتها، روز بیست و یکم و آن را مهرگان خاصه خوانند. و عجمان گویند: خدای تعالی زمین را در این روز گسترانید و اجساد را در این روز محل و مقر ارواح گردانید و در این روز، ملایکه، مددکاری کاوه‌ی آهنگر کردند و فریدون، در این روز بر تخت پادشاهی نشست و در این روز ضحاک را گرفته و به کوه دماوند، فرستاد که دریند کنند و مردمان به این سبب، جشنی عظیم کردند و عید نمودند و بعد از آن، حکام را مهر و محبت به رعایا هم رسید و چون مهرگان به معنی محبت پیوستن است، بنابراین بدین نام موسوم گشت.^۷ در شاهنامه، جشن مهرگان منسوب به فریدون است که پس از پیروزی بر ضحاک و نشستن بر تخت شهریاری، آن را برگزار می‌کند:

فریدون چو شد بر جهان کامگار

ندانست جز خویشتن شهریار

بهرسم کیان تاج و تخت مہی

بیاراست با کاخ شاهنشہی

به روز خجسته سر مهر ماه

به سر بر نهاده آن کیانی کلاه

زمانه به آندوه گشت از بدی

گرفتند یکسر ره ایزدی

دل از داوری‌ها بپرداختند

به آیین کی جشن نو ساختند

نشستند فرزانیگان شادکام

گرفتند هر یک زیاقوت جام

می روشن و چهره‌ی شاه نو

جهان گشت روشن سر ماه نو

بفرمود تا آتش افروختند

همه عنبر و زعفران سوختند

پرستیدن مهرگان دین اوست

تن آسانی و خوردن آیین اوست

کنون یادگار است از او ماه مهر

بکوش و به رنج ایچ منمای چهر^۸

هم‌چنین، در نمودهای عینی و مراسم ملی - مذهبی ما نیز، این تأثیر کاملاً آشکار است. چنان که می‌توان به این باور و گمانه رسید که آیین ملی - مذهبی، قالی‌شویان کاشان هم، ریشه در آیین مهر و مهرگان داشته باشد. این آیین باشکوه، از دیرباز در مکانی مقدس به نام «اردھال»^۹ برگزار می‌شود. این مراسم، برخلاف آیین‌های مذهبی دیگر که معمولاً تاریخی قمری مطابق با سنت مذهبی دارند، در تاریخ شمسی و همیشه هفته‌ی دوم مهرماه برگزار می‌گردد و این همان تاریخی‌ست که جشن مهرگان برگزار می‌شده است^{۱۰} که تقریباً حدود یک هفته، جشن و شادی بوده است. مراسم قالی‌شویان در هفته‌ی دوم مهرماه و روز جمعه برگزار می‌شود که جمعه‌ی نخست، متعلق به اهالی فین کاشان و جمعه‌ی دوم، یعنی پایان مراسم منسوب به «تشیلیجی»^{۱۱} هاست. و به هر حال، وجود یک هفته برای این مراسم، نشانه‌یی است، جهت همسانی این مراسم با آیین مهرگان باستانی؛ هم‌چنین این مراسم، در زمانی برگزار می‌شود که معمولاً مردم، محصولات خود، مانند: غلات و میوه‌ها را جمع‌آوری کرده‌اند و به‌نوعی می‌توان این مراسم را جشن برداشت محصول، نیز دانست. ویژگی دیگر در این مراسم، عنصر آب و اهمیت آن است و از آن‌جا که جشن آبریزان، هم در چنین زمانی و در کنار آیین مهرگان برگزار می‌شده است و اکنون نیز، آن قالیچه‌ی نمادین^{۱۲} را در آب رودخانه‌ی می‌شویند یا چوب‌هایی را در آب زده و به‌صورت سمبلیک به قالی می‌باشند. چنان که اهل فین، معتقدند برای دفاع از جنازه‌ی امام‌زاده قالی را به‌دست می‌گیرند.

وجود خود قالی هم، این گمانه را تقویت می‌کند که شاید، عکس و تصویری از خورشید بر آن بوده است، زیرا عموماً،

قالی‌های قدیمی و سنتی کاشان، دارای محراب هستند و وسط قالی‌های مرغوب و قدیمی، نقشی از خورشید یا چیزی شبیه به صلیب مسیحیان، داشته است که می‌تواند نماد و نشانه، از گردونه‌ی مهر باشد. هم‌چنین ویژگی دیگری که گمانه‌ی ما را قوت می‌بخشد، نزدیکی این مکان مقدس و باستانی با شهر قدیمی «سیلک» است که اکنون فین، جای آن را گرفته است. نیز آتشکده‌ی عصر ساسانی در نیاسرو و در نزدیکی این مکان این شایبه را نیرو می‌بخشد شاید، این گمانه‌زنی‌ها باعث انتقاد و اعتراض گردد و گفته شود که پس، مراسم عزاداری و شهادت امام‌زاده (ع) چه جایگاهی دارد؟ باید بگوییم، هیچ منافاتی با گمانه‌ی ما ندارد. زیرا اولاً، مراسمی که ما اشاره کردیم، آن‌چنان دورزمان است که با شهادت امام‌زاده، بسیار فاصله دارد و ثانیاً، از آن‌جا که این مکان مقدس بوده است و به‌رحال، وجود امام‌زاده و آن مراسم دینی و مذهبی امروزی هم، بر ارزش آن می‌افزاید. زیرا معمولاً بزرگان دین و اشخاص صاحب‌نفوذ را در جاهای ارزشمند و مقدس، به خاک می‌سپرده‌اند.

دیگر آن‌که مردم، به سادگی از آیین و سنن دیرپای خویش، دست نمی‌کشند و با حاکمیت و اقتدار اسلام و خاموشی آیین‌های باستانی ایران، در سده‌های نخستین هجری، به‌رحال، بارقه‌ها و نشانه‌هایی از آن باقی مانده است و مردم برای حفظ اعتقادات و سنت‌های خود، حتماً حاضر شده‌اند، آن را در پوشش آیین جدید حفظ کنند و به سادگی می‌توان، ریشه‌ی بسیاری از اعتقادات و سنت‌های مذهبی ایرانیان را که به‌صورت دینی و اسلامی جلوه‌گر شده است، در اعتقادات و مراسم باستانی نشان داد. چنان‌که بسیاری از مساجد بزرگ تاریخی، مانند مسجد جامع یزد، زمانی آتشکده بوده است. یا مراسم مختلف مرسوم در میان ایرانیان، مانند چهارشنبه‌سوری یا نوروز که در کتاب‌های حدیث یا تاریخ به شیوه‌های گوناگون به ائمه‌ی اطهار (ع) یا پیامبر (ص) یا دیگر شخصیت‌های مذهبی، منسوب داشته‌اند.^{۱۳}

به‌رحال، آیین مهرگان و آیین قالی‌شویان را گرامی می‌داریم چه با جلوه‌ی اسلامی و چه با جلوه‌ی ایرانی، برای ما عزیز و دوست‌داشتنی‌ست و از یاد نبریم - به قول محقق بزرگ، مرحوم دکتر زرین کوب - فرهنگ ایرانی، هم‌چون پرنده‌ی ست که با دو بال اسلامی و ایرانی پرواز می‌کند و شکستن هر یک از بال‌ها، سقوط و مرگ حتمی این پرنده را در پی خواهد داشت؛ و از یاد نبریم، سرزمین دیرینه‌سال ما، با فرهنگ گران‌سنگش، همواره و همیشه در سایه‌ی اقتدار مهر و محبت و همین مراسم زیسته است و پیوسته در تلاطم امواج سهمناک و مهلک بلاهای بی‌مانند آسمانی و زمینی، با تکیه بر همین باورها و مراسم همواره زنده مانده است. از همان دوره‌های آغاز تاریخ و حتی پیش از آن تا دوره‌های معاصر، مردم این سرزمین برای دفاع از شرافت، عظمت، ناموس و تمامیت ارضی خود، استوارترین پناهگاه راه همین آیین‌ها دانسته‌اند. ایران و ایرانی، نخستین قومی‌ست که شعار و عمل

پیروزی خون بر شمشیر راه، با اسطوره‌ی سیاوش رقم زده است و این تصادفی نیست که بعد از قرن‌ها، این چنین تاریخ‌شهنای کربلا و شهادت امام حسین (ع)، مشابهت و همانندی با «سوک سووشان» باستانی دارد و این‌گونه، آن خون‌های پاک و روح‌های ملکوتی، با سکوت یا فریاد، بدون سلاح، موجبات رستوایی افراسیاب‌ها، کاووس‌ها، سودابه‌ها، یزیدها و عمروعاص‌ها را فراهم آورده است و با این شیوه سالیان دراز توانسته است، غداران و قهاران تاریخ راه، فریدون‌وار به زنجیر بکشد. ایرانی، قومی‌ست که قهرمان اسطوره‌ی او، شخصی چون رستم است که هیچ‌گاه، در جنگ‌های خود نامردانه، شمشیر نکشیده و خنجر از پشت، بر کمر هیچ دشمنی، فرود نیاورده است. شاید یکی از عوامل بسیار مهم ماندگاری این قوم کهن‌سال و فرسوده، رعایت همین ویژگی‌های انسانی بوده است.

پس از اسلام هم، همین شیوه در میان مردم و نه قدرتمندان ادامه می‌یابد و این اعتقاد همواره برجاست که:

آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است

با دوستان مروت با دشمنان مدارا
و عجیب نیست، اگر آن پسر فرزانه، یعنی ملای رومی،
جلال‌الدین محمد مولوی این‌گونه امتزاج فرهنگ ایرانی و اسلامی
را یادآور می‌شود.

زین هم‌رهان سست عناصر دلم گرفت

شیر خدا و رستم دستانم آرزوست
آری، ایرانی، قومی‌ست که توانسته همواره و پیوسته، وحشیان
عرب و ترک و مغول را که بر او هجوم آورده‌اند و تا لبه‌ی بحر فناء
کشانده‌اند با مدارا، مهر و محبت، سکوت و آرامش به بند بکشد و
چنان‌که، خون‌خوارترین قوم تاریخ، یعنی مغولان را در درون
هاضمه‌ی تاریخی و مهرپرور خویش، به مردمانی لطیف و سازگار و
مهربان بدل سازد و با گذشت چند قرن، دیگر نه‌تنها اثری از
وحشیگری نخستین آنان باقی نماند، بلکه خود، منادی صلح
و جوانمردی و فتوت گشتند. شعار ایرانی، در تمامی متون شعر و نثر
و آثار هنری، مهر و محبت است.

مهربانی زمن آموز و گرم عمرم نماند

بر سر تربت سعدی بطلب مهرگیا را^{۱۴}
و فراموش نکنیم که شاعر بزرگ و بی‌نظیر فرهنگ ایرانی،
یعنی حافظ که سخنگوی راستین فرهنگ ماست، اگر این چنین
سخنش در ما تأثیر دارد، برای این است که جزء جزء عناصر این
فرهنگ و تمدن راه، به تجربه نشسته است و بر ما عرضه می‌کند و
با ما می‌خندد و با ما می‌گرید و هر چند هر کسش افسون می‌دمد،
اما دل نازک او مایل افسانه‌ی همه‌ی ماست، مایل افسانه‌ی قوم
ایرانی و افسانه‌ی بشری‌ست.^{۱۵} ■

منابع

- ۱- فرهنگ لغت دهخدا، چاپ جدید
- ۲- برهان قاطع با حواشی مرحوم دکتر معین.

جشن مهرگان

علی افشاری - اصفهان

در متون کهن آمده است که مهرگان جشن عظیم است و بعد از نوروز بزرگ‌تر از آن جشنی نیست و حتی در آن برتری‌هایی است که در نوروز نیست. این جشن در تمام آسیای صغیر معمول بوده و از آنجا به اروپا رفته و چون زمان آن را روز تولد خورشید نامیرا دانسته‌اند، پس از رواج مسیحیت در اروپا، آن را مصادف روز تولد مسیح انگاشته‌اند و سخت گرایش به آن داشته‌اند. جشن مهرگان را جشن مهر و مودت بین حکام و رعایا یا پیوند بین دولت و ملت نیز دانسته‌اند که بخش اعظم مراسم آن مربوط به همین موضوع بوده است.

آیین و آداب جشن مهرگان

بیش‌تر آداب و احکام عید مهرگان، شبیه عید نوروز بوده است. در سیزده‌دم روز عید مهرگان، مردی در صحن سرای پادشاه می‌ایستاد و با صدای بلند جاز می‌زد که: «ای فرشتگان فرود آید و شیاطین را سرکوب و از گیتی دور سازید». آنگاه محیط اطراف را به زیبایی آذین می‌بستند و پادشاهان در این روز روغن مخصوصی به بدن می‌مالیدند و خود را می‌آراستند و لباس‌های منقش می‌پوشیدند و به می‌گساری می‌پرداختند. قبل از همه موبدان و دانشمندان به حضورشان می‌آمدند و هفت‌خوانی از میوه‌های مخصوص و کتاب اوستا با خودشان به ارمغان می‌آوردند. آن‌گاه خواص و عوام هدایای خویش را تقدیم می‌کردند و شاه دستور می‌داد تا نام و نشان آن‌ها را ثبت کنند و فرمان می‌داد به هنگام دادخواهی هدیه‌دهنده جبران نمایند. عامه‌ی مردم نیز در این عید، مثل نوروز اظهار شادمانی می‌کردند. لباس نو می‌پوشیدند، با همدیگر ربوبی می‌نمودند و هدیه می‌دادند، به دید و بازدید می‌رفتند. در خانه‌ها سفره‌ی پهن می‌کردند و در آن کتاب اوستا، آینه و سرمه‌دان، شراب، گلاب و هفت‌میوه می‌گذاشتند که عبارت بود از: ترنج، سیب، به، عناب، انگور سفید، انار و کنار و بویژه انار را بر روی آن‌ها می‌چیدند. در ابتدا، قطعاتی از کتاب اوستا را می‌خواندند و برای همدیگر دعا می‌کردند. هم‌چنین اگر در این روز نوزدای متولد می‌شد، اسم او را کلمه‌ی می‌گذاشتند که در آن واژه‌ی مهر باشد. رونق و رواج عید مهرگان، بیش‌تر در دربار شاهان بود و حتی شاهان بلاد دیگر نیز، هدایایی برای پادشاه ایران می‌فرستادند. برای نمونه یک‌بار پادشاه ارمنستان، در عید مهرگان بیست هزار کره اسب به رسم تحفه، به دربار هخامنشی فرستاد. گفتنی است که انجام مراسم عید مهرگان، بیش‌تر در نزد مردم جنوب ایران رایج بود و این شاید اضافه بر شرایط مساعد آب و هوایی مناطق جنوب، در این هنگام سال، به‌خاطر آن بوده که پارسیان و ایرانیان قدیم، عمدتاً در جنوب و منطقه‌ی پارس ساکن بودند.

۳- دیوان عنصری، متوجه‌ری، رودکی، قطران تبریزی، حافظ.

۴- شاهنامه‌ی فردوسی، زول مول.

۵- در پیرامون شاهنامه، مجموعه‌ی مقالات به کوشش مسعود رضوی، جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران، ۱۳۶۹.

۶- آیین مهر، مبتدائیس، هاشم رضی.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- چیزی شبیه به پل صراط در آیین اسلام.
- ۲- زینه یا طبقه - هر یک از هفت مرحله‌ی عروج سالک مهری را گویند که با هفت مرحله‌ی معراج عشق همانندی دارد.
- ۳- فرشته‌ی زرتشتی.
- ۴- بهشت موعود یا سرزمین جان به اعتقاد مهریان باستان.
- ۵- پیش از مرگ باید (از تعلقات) بپیرید و جدا شوید.
- ۶- هرچند بعضی از محققان بر این باورند که حافظ، هیچ اشاره‌ی به آیین مهری ندارد و این‌ها بر ساخته‌ی ذهن بعضی کج‌فهمان است. اما باید اذعان کنیم که در چند جای دیوان، دلایل مستقن و اساسی داریم که حافظ، بر ویژگی‌های آیین مهری تسلط و آشنا بوده است. همانند دیگر ویژگی‌های فرهنگ کهن‌سال این مرز و بوم.
- ۷- برهان قاطع، ج چهارم، ذیل مهرگان.
- ۸- شاهنامه‌ی فردوسی، ج اول، ص ۶۲.
- ۹- خود واژه‌ی اردهال از دو جزء «ارت» و «هال» به‌معنی مکان منقش می‌باشد که حاکی از، دیرینگی این مراسم است.
- ۱۰- آغاز جشن مهرگان، شانزدهم مهر و پایان آن بیست و یکم مهر بوده است.
- ۱۱- روستایی در حوالی اردهال کاشان.
- ۱۲- امروزه، مردم اعتقاد دارند که این قالیچه، همان فرشی است که پیکر مقدس امام‌زاده را بر آن حمل کرده بودند.
- ۱۳- مشهور است که چهارشنبه‌سوری را گاهی به زمان مختار تقوی و خون‌خواهی سیدالشهدا (ع) مربوط می‌سازند یا آیین نوروز را با روز غدیر خم و ولایت حضرت علی (ع) نسبت می‌دهند.
- ۱۴- غزلیات سعدی.
- ۱۵- تاختیص از گفتار دکتر اصغر دابده در مقدمه‌ی کتاب دولت پیرمغان، سمید نیاز کرمانی، ص ۲۵.

مهر و مهرگان

توران شه‌ریاری (شاعره‌ی زرتشتی)

مژده‌ای دوستان مهرگان است
مهر با هر کسی مهربان است
مهر روز و مه فرخ مهر
جشن فرخنده‌ی مهرگان است
گرمی و پاکی و شادی از اوست
فر و شیدش کران تا کران است
در دل گرم هر ذره از مهر
یک‌جهان شور هستی نهان است
نور بخشد به گیتی و مینو
شوربخش زمین و زمان است
مایه‌ی زندگانی و هستی
این جهان چون تن و او روان است
آیزد مهر در دین زرتشت
فر و فرمندی جاودان است
«مهریشت» دلاویز و زیبا
شرح بخشی از آیین داستان است